

سوء استفاده از کودکان در جرائم

از دیدگاه داخلی و بین‌المللی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۵/۱۲)

علیرضا دبستانی رفسنجانی

چکیده

وضعیت خاص کودکان در محیط خانوادگی، قانون و جوامع سبب شده تا آنان هم در معرض انواع سوء استفاده و آسیب‌ها قرار بگیرند و به انبوهی از حمایت‌ها از جمله حمایت قانونی نیازمند باشند. ابزار جرم‌انگاری زمانی سودمند است که معیارها و موازین جرم‌انگاری به دقت رعایت شود. سوء استفاده از کودکان در جرائم به نوعی کودک‌آزاری می‌باشد. کودک‌آزاری، بدرفتاری و بی‌توجهی مشکلاتی هستند که سلامت و رفاه جامعه را تهدید می‌کنند. متأسفانه، هر ساله حدود ۳۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان مورد خشونت روزانه قرار می‌گیرند. مصرف مواد مخدر، بارداری نوجوانان و رفتار مجرمانه‌ای که نه تنها بر کودک و خانواده، بلکه بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد بدترین اشکال قابل تصور از رفتار کودک‌آزاری است. دخالت در درگیری مسلحانه، قرار گرفتن در معرض زنان دیگر معضلاتی است که میتوان به آن اشاره نمود. این پژوهش ضمن حمایت‌های اجمالی و بررسی‌های بین‌المللی از جرم‌انگاری برخی رفتارهای زیان‌بار نسبت به کودکان علی‌الخصوص کودکان خیابانی، به ارائه راهبردهایی پرداخته است که آنها میتواند به یک جرم‌انگاری موثر به نفع کودکان بی‌انجامد.

واژگان کلیدی: کودکان خیابانی، جرم‌انگاری، مصالح کودکان، بزه دیدگی، حمایت

کیفری، دادگستری بین‌المللی نوجوانان

مقدمه

در اوایل دهه ۱۹۸۰، اطلاعیه‌های خدمات عمومی تلویزیونی در ایالات متحده: پدر و مادر... ساعت ۱۰ شب است، آیا می‌دانید فرزندان کجا هستند؟ اینها از طریق رسانه‌ها راه اندازی شدند تا یادآوری برای والدین آمریکایی باشند که لحظه‌ای به فکر فرزندان خود باشند و تلاش کنند تا خود را از فعالیت‌های فرزندان آگاه سازند. پخش‌های مشابه برای ترغیب والدین به تعامل با فرزندان خود و ارائه نکات ساده هدف رسانه‌ها بود. بعد ها با توجه به گسترش تهدیدات جدید برای ایمنی همه کودکان در مقیاس جهانی (به عنوان مثال: درخواست‌های نامناسب از طریق اینترنت، شرایط اجتماعی، قاچاق، سیاست‌های بین‌المللی و غیره)، بدیهی بود که حمایت از کودکان در سطح بین‌المللی در برابر خشونت، استثمار و سوء استفاده جدی‌تر بررسی شود. هر ساله حدود ۳۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان به بیماری مبتلا می‌شوند که دلیل آن در معرض خشونت بودن، استثمار و سوء استفاده روزانه می‌باشد.

یونیسف، سازمان بهداشت جهانی و دفتر کمیساریای عالی در مورد حقوق بشر این مطالعه را که توسط سازمان ملل انجام شد بررسی نمودند. بررسی وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۶ از طریق یونیسف روی ۲۰ کشور انجام شد: استرالیا، بلژیک، کانادا، چین، کرواسی، دانمارک، آلمان، اسرائیل، ایتالیا، نیوزیلند، نروژ، فلسطین، پرتغال، روسیه، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، تایوان، ترکیه و ایالات متحده. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که تقریباً ۵۳۰۰۰ کودک در سال ۲۰۰۲ در سراسر جهان بر اثر قتل جان باختند. از ۸۰٪ تا ۹۸٪ کودکان از تنبیه جسمی در خانه‌هایشان رنج می‌برند که علاوه بر این، ۱۵۰ میلیون دختر و ۷۳ میلیون نفر پسر زیر سن ۱۸ در سال ۲۰۰۲ آمیزش جنسی اجباری یا سایر اشکال خشونت جنسی را تجربه کردند. در سال ۲۰۰۴، ۲۱۸ میلیون کودک درگیر کار کودکان بودند که از این تعداد ۱۲۶ میلیون نفر در کارهای خطرناک بودند. برآوردهای قبلی از سال ۲۰۰۰ نشان داد که ۱.۸ میلیون کودک مجبور به تن‌فروشی و پورنوگرافی کودک شده‌اند و ۱.۲ میلیون نفر قربانی قاچاق انسان شدند، سایر رفتارها نیز اغلب به عنوان توهین آمیز ذکر شده است. همه این سوء استفاده‌ها از بی‌توجهی جامعه نسبت به کودکان به وجود آمده است.

بخش اول: جرائمی که کودکان را تبدیل به ابزار جرم می کند

سوء استفاده و بهره کشی جنسی، قاچاق، کار اجباری و آدم ربایی تنها بخشی از خطراتی است که امروزه کودکان در سراسر جهان با آن مواجه هستند و برخی از آنان در این فصل مورد بررسی قرار میگیرند. افراد کم سن و سال، به واسطه شرکت در تولید فیلم مستهجن، پیدایش کودک کار مجازی و ورود سیلی از پرونده ها به دادگاه با ادعای نقض حریم خصوصی در کودکی در سالهای آینده خطری جدی مییابد. پیشرفت فناوری در فضای مجازی، از جهات مختلف موجبات تسهیل تبادل اطلاعات و ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خصوصا در عرصه بین المللی گردیده است. با وجود این، بهره برداری سوء از این تکنولوژیهای مدرن، زمینه ساز نقض کرامت و حقوق انسانی، هنجارهای اجتماعی و ارزش های اخلاقی مییابد؛ در این میان برخی گروهها از جمله کودکان و نوجوانان به عنوان گروههای آسیب پذیر بیش از سایر افراد بشر در معرض نقض حقوق بنیادین و آسیب های جسمی و روانی قرار دارند. رواج برخی پدیده های تاسف برانگیز مانند مدلینگ کودکان، پورنوگرافی و تورسیم جنسی کودک با کاربرد تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی مدرن تسهیل گردیده است. طی دو دهه اخیر مسئله حمایت از کودکان در فضای مجازی و مقابله و پیشگیری با اقسام استثمار و سوء استفاده از کودکان و نوجوانان دغدغه بسیاری از دولتها و سازمانهای بین المللی قرار گرفته است. به این ترتیب که از یک سو، جرم انگاری و احصای مسئولیت کیفری و مدنی برای ناقضین حقوق بشر کودکان مانند حق احترام به تمامیت جسمانی و روانی، حق سلامت، حق حریم خصوصی، منع خشونت و استثمار جنسی در فضای مجازی و با استفاده از اینترنت پیش بینی شده است و از سوی دیگر ضرورت آموزش و ارتقای سطح آگاهی افراد خصوصا کودکان و نوجوانان به عنوان یک اقدام پیشگیرانه مورد تاکید قرار دارد. از جمله اینکه در اجلاس بیست و هشتم شورای حقوق بشر در مارس ۲۰۱۵، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، گزارش موضوعی خود را با موضوع تکنولوژی های ارتباطاتی و اطلاعاتی و استثمار جنسی و فروش کودکانه با تأکید بر همین دو محور ارائه نمود. با افزایش میزان مشارکت کودکان در فعالیتهای برخط، استفاده از اینترنت بیش از

دیگر رسانه‌ها برای اجتماعی شدن و برقراری ارتباط مورد استفاده کودکان قرار گرفته است. فقدان تجربه و آگاهی لازم در رابطه با تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی مدرن پدیده سوء استفاده از کودکان در فضای مجازی را به عنوان یک نگرانی مشترک در جامعه بین‌المللی پدیدار کرده است. نقش دولتها و سازمانهای بین‌المللی در این رابطه حیاتی است تا از کودکان در مقابل سوء استفاده برخط حمایت مقتضی به عمل آورند، البته جرم‌انگاری سوء استفاده برخط از کودکان، از جمله اقدامات پیشگیرانه و مهم به شمار می‌آید. قانونگذار ایران، انتشار محتویات مستهجن، آموزش و تسهیل ارتکاب به اعمال منافی عفت در فضای مجازی، انتشار تصویر خصوصی افراد و... را جرم‌انگاری کرده است، اما قوانین انگلستان و اسناد بین‌المللی داشتن، توزیع، به اشتراک گذاری و یا ساخت تصاویر مستهجن از کودک را جدای از موارد فوق جرم می‌داند. بهره‌تجاری و تبلیغاتی در فضای مجازی با پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن، ما را شاهد پدیده‌های جدید به نام کودکان کار مجازی میکند که نقض بسیاری از حقوق بنیادین و اساسی آنها را به همراه دارد و نگران‌کننده می‌باشد. ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌کند: دولتهای عضو، حقوق کودک جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیان بار بوده و یا توقیفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای سلامت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد را به رسمیت می‌شناسند. سوء استفاده جنسی غیرمستقیم آنلاین از کودک، تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی مدرن مورد تأکید نهادهای بین‌المللی قرار دارند و این امر حتی در کشورهای اروپایی که از جهت اسناد منطقه‌ای از سطح بالاتری از حمایت از کودکان در مقابل اذیت و آزار و استثمار آنلاین برخوردارند نیز همچنان به عنوان یک دغدغه جدی مطرح است. کودک در مواردی به صورت غیرمستقیم مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد و گاهی فیلم یا تصاویر وی با اهداف جنسی بر روی صفحات اینترنتی در دسترس همگان قرار می‌گیرد و این مسئله امروزه با عنوان هرزه‌نگاری کودکان به صورت جدی مطرح است و طریق دیگری از سوء استفاده و استثمار جنسی از کودک در فضای مجازی می‌باشد که بسیار مهم می‌باشد. بند ج ماده ۲ پروتکل کنوانسیون حقوق کودک در

خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان، پورنو گرافی یا هرزه نگاری را چنین تعریف می کند: به معنای هر نوع نمایش با هر ابزاری که در ارتباط با کودک و برای بهره برداری فعالیت‌های جنسی واقعی یا مشابه سازی و یا هر نوع نمایش اندام تناسلی کودک به منظور اهداف جنسی می باشد. نقض حریم خصوصی کودک در فضای مجازی بر اساس نتایج برخی تحقیقات، نگرانی جدی در رابطه با رعایت حریم خصوصی افراد به طور جدی برای کاربران تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی مدرن در کشورهای مختلف را مطرح میکند و البته در میزان این نگرانی و دغدغه عواملی همچون سن، جنسیت، گرایشهای فرهنگی و نظام‌های حقوقی داخلی تأثیرگذار می باشد که اقدام دولت برای تقویت نظام حقوقی و قضایی برای حمایت آنلاین از حقوق افراد و استفاده آگاهانه و با رعایت جوانب احتیاط توسط کاربران تکنولوژی‌های مدرن می باشد. در نرم افزارهای اجتماعی علاوه بر استفاده مستقیم از کودکان به عنوان مدل تبلیغاتی و کسب درآمد، راه دیگری نیز شیوع پیدا کرده است که با گرفتن عکس و فیلم از لحظات زندگی شخصی کودک و انتشار به صورت عمومی، افرادی را به عنوان دنبال کننده جذب میکنند و با بالا رفتن تعداد این دنبال کننده ها شرکت‌های تجاری از صاحب صفحه در خواست تبلیغ میکنند، هرچند که این تبلیغ اساساً ربطی به کودک نداشته باشد، باید توجه داشت که چه بحث درآمد و تبلیغ باشد چه خیر، انتشار این تصاویر و فیلم ها در غیر از آنچه موافق مصالح عالییه کودک است و یا حداقل مخالف آن نیست، نقض حریم خصوصی او تلقی می شود. ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک: ۱- در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمیتوان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود؛ ۲- کودک در برابر این گونه دخالتها و یا هتک حرمتها مورد حمایت قانون قرار دارد. برخی حقوق دانان معتقدند پیشینه تصویب ماده ۱۶ نشان حمایت از کودک در مقابل اقدامات دولت دارد ولی به نظر میرسد کمیته حقوق کودک علاوه بر حمایت در مقابل اقدامات دولت بر این حق کودک در محیط خانه و خانواده نیز تأکید دارد که در عمل با بخشی از حقوق و مسئولیت‌های والدین در تعارض می باشد.

جرائم اینترنتی، از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار هستند که در این چهار چوب، پلیس، تنها

نقش کوچکی در نظارت بر اینترنت دارد. یکی از اقدامات مهم دولت‌ها برای مقابله با اذیت و آزار آنلاین کودکان، تمهید صلاحیت فراسرزمینی برای جرایم مرتبط با اینترنت می‌باشد. چنانچه در ماده ۴ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودک دولتها متعهد شده‌اند که اصل فراسرزمینی بودن را برای مقابله با فروش و استثمار جنسی کودکان تصویب نمایند و این امر خصوصا در رابطه با جرایم اینترنتی با تورسیم جنسی کودک مهم است تا سایر دولت‌ها علاوه بر دولت دارای صلاحیت به موجب قواعد کلاسیک نیز امکان تعقیب مرتکب این جرایم را داشته باشند. البته در رابطه با جرایم ارتكابی از طریق اینترنت، چالش‌های جدی و پیچیده‌ای برای اعمال صلاحیت وجود دارد و به هر حال دولتها باید قادر باشند کاربران متخلف را هرچند دور از محل ارتكاب جرم، در هر کجای جهان، تحت پیگرد قرار دهند. همچنین از دیگر عواقب و تبعات سوء استفاده آنلاین از کودکان، می‌توان به مباحث دیگری همچون قاچاق انسان، قاچاق اعضای بدن، جرایم مواد مخدر و... نیز اشاره داشت که کودکان به عنوان قربانیان اصلی درگیر می‌باشند. برای مقابله با استثمار جنسی کودکان با کاربرد تکنولوژی‌های مدرن، اولین گام ضروری تصویب قوانین و مقررات مقتضی است. به این ترتیب دولتها باید تعهدات خود در چهارچوب اسناد بین‌المللی خصوصا پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودک را در قوانین داخلی خود گنجانده و موارد نقض را جرم‌انگاری نمایند. قانونگذار انگلیس بر اساس بند ۵ بخش دوم قانون مجرمان جنسی، تعقیب اتباع انگلیسی را در بریتانیا به خاطر ارتكاب جرایم جنسی در خارج از کشور تجویز نموده است، در پرونده‌های یک تبعه انگلیسی در نپال که فاقد قانونی برای حمایت از کودکان در برابر استثمار جنسی بود، از تعقیب کیفی رهایی یافت، نه تنها این ضعف در این جرم بخصوص مشاهده می‌شود بلکه در تمام جرایم اینترنتی، چالش‌های قابل توجهی برای کنترل نظم و اجرای قانون مطرح می‌شود.

بند دوم: حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده در جرائم از آنان

اصولا جرایم، محل نظم عمومی‌اند و جرم‌انگاری با هدف تأمین مصالح عمومی و دفاع از نظم صورت می‌گیرد. با این حال در بسیاری از حوزه‌ها از جمله در قلمرو جرایم علیه

کودکان بیشتر این رفتارها بیش و پیش از هر چیز به منافع و مصالح شخصی این کودکان آسیب می‌رساند. این امر ضرورت گذر جرم‌انگاری از صافی مصالح کودکان را ایجاب مینماید. همچنان که گذشت از جمله خطراتی که کودکان خیابانی با آن مواجه‌اند سوءاستفاده جنسی است. حتی در کشورهای توسعه‌یافته، حدوداً از هر ۱۶ دختر زیر ۱۵ سال، یک نفر توسط بزرگسالان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. همچنین با توجه به این که کودکان خیابانی با چالش فقر مواجه‌اند و به دنبال کسب درآمد هستند طعمه‌های خوبی برای قاچاقچیان هستند. یونیسف، کودکان خیابانی را به دو دسته تقسیم کرده است: نخست، کودکانی که در پی درآمد برای خانواده، در خیابان کار می‌کنند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده متفاوت است. این ارتباط ممکن است روزانه یا تنها چندبار در سال باشد؛ اما به هر حال احساس وابستگی به خانواده در این کودکان وجود دارد. دوم، کودکانی که برای آنها خیابان همچون خانه است؛ آنها در خیابان در پی سرپناه و خوراک هستند و مردم کوچه و خیابان برای آنها جای خانواده را می‌گیرند. این کودکان یا سرپرستی ندارند، یا در صورت داشتن خانواده به علت‌های گوناگون، زندگی در خیابان را امن‌تر از زندگی در خانه می‌یابند. بنا بر آمار یونیسف، حدود ۱۵۰ میلیون کودک زیر ۱۴ سال، برای گذران زندگی خود، در شرایط پرخطر کار می‌کنند. کودکان رهاشده و کودکان فراری نیز گاه به عنوان گروهی جداگانه مطرح میشوند؛ اما چون در بسیاری از موارد راه بازگشتی ندارند و در مدتی کوتاه به کودکان خیابانی تبدیل می‌شوند، در برخی دسته‌بندی‌ها در گروه کودکان خیابانی جا داده می‌شوند. جدا از ضرورت و اهمیت پیشگیری، ارائه مجموعه‌ای از حمایت‌ها از جمله حمایت‌های عاطفی، مالی، روانی، اجتماعی و قانونی از این کودکان ضروری است. با این حال نباید درباره‌ی نقش و کارآیی حمایت‌های قانونی مبالغه کرد و سهم حمایت‌های اجتماعی را نادیده انگاشت. بخشی از حمایت‌های قانونی از کودکان در چهره حمایت کیفری پدیدار می‌شود. اما ظرفیت حقوق کیفری برای رویارویی با نابهنجاری‌های اجتماعی از جمله پدیدی کودکان خیابانی محدود است. جرم‌انگاری در هر حال آخرین چاره است و باید کاملاً دقیق و حساب شده از آن بهره‌گرفت. در حوزه جرم‌انگاری نیز میتوان از جرم

انگاری‌هایی بحث کرد که در نهایت به زیان کودکان خیابانی بی‌انجامد؛ برای نمونه ممکن است رفتارهایی جرم‌انگاری شوند که سبب شود انگ مجرمانه به کودک خیابانی زده شود و او برای همه عمر با این مشکل دست به گریبان باشد. جرم‌انگاری رفتارهایی مانند ولگردی کودکان، گدایی و خوابیدن در خیابان یا مجرم قلمداد کردن کودکی که قربانی جرم قاچاق شده، نمونه‌ی این دست رفتارها است. در حقوق ایران با توجه به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و ماده ۶ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ که شرایط سرپرست را در چند بند بیان نموده، برخی از اوصاف سرپرست فاقد صلاحیت عبارتند از: اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛ اشتها به فساد اخلاقی و فحشا؛ سوء استفاده از طفل یا واداشتن او به ورود به مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق؛ ابتلای سرپرست به بیماری‌های روانی و تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف. با توجه به پیامدهای نامطلوب بدرفتاری سرپرستان بر آینده‌ی کودکان، پیش‌بینی راه‌حلی برای مقابله با چنین امری ضرورت دارد. مطابق ماده ۴۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، مرجع قضایی مکلف شده است تا به منظور جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام‌جویی و یا ورود آسیب جسمی یا روانی به کودک و نوجوان بزه‌دیده، تدابیر و اقدامات مقتضی از قبیل فراهم آوردن امکان مشارکت آنان بدون حضور فیزیکی در جریان رسیدگی، صدور دستور انتقال طفل به محل مطمئن و امن و یا تشدید قرار تأمین متهم را اتخاذ کند. با آن که در بسیاری موارد برای حمایت از کودکان خیابانی باید از ابزار جرم‌انگاری بهره برد، تنها راه حمایت از این کودکان جرم‌انگاری کلیه‌ی اعمال زیان‌بار به آنها نیست. به طور معمول، هرگاه در خصوص حمایت از بزه‌دیدگی کودکان سخن به میان می‌آید، بلافاصله حمایت کیفری از آنان در ذهن‌ها تداعی می‌شود. حال آنکه، حمایت از بزه‌دیدگی طفل، با حمایت کیفری از وی ملازمه ندارد. البته برخی از اعمال، وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند و افکار عمومی به شدت خواهان پیش‌بینی کیفری سخت برای آنهاست. در مواردی با وجود قوانین حمایتی، بسیاری از کودکانی که حقوقشان نقض شده است، به علت ترس از انتقام‌جویی یا ترس از بدنامی ناشی از فاش شدن عملی که نسبت به آنان صورت گرفته، هرگز اعلام بزه‌دیدگی

نکرده و هیچ مراقبتی بابت عواقب نقض حقوقشان دریافت نمیکنند. برای نمونه در ایالات متحده امریکا تنها کمتر از نیمی از دختران نوجوانی که قربانی آزار جسمی و جنسی شده اند، درصدد کمک جویی برآمده اند. از همین رو یکی از راهبردها در جرم انگاری رفتارهای مضر به کودکان خیابانی، عمومی قلمداد کردن این جرایم است. درباره نقش بزه‌دیده در آغاز و توقف تعقیب کیفری نگرش‌های متفاوتی وجود دارد. شماری از نظام‌های کیفری با رویکردی ایستا به این مقوله نگرسته و مداخله‌ی بزه‌دیده در این زمینه را محدود کرده اند. در برابر بیشتر نظام‌های کیفری با پیش بینی نقشی پویا برای بزه‌دیده، امکان شروع تعقیب شماری از دعاوی کیفری بر پایه‌ی خواست وی را میسر دانسته اند و جنبه‌ی خصوصی جرم را مقدم نموده اند؛ چنین رویکردی در جهت شناسایی و صیانت از حقوق بزه دیدگان اتخاذ شده است. با این حال، توجه به حقوق بزه دیده لزوماً به این معنا نیست که کلیه جرایم باید جنبه خصوصی داشته باشد. جنبه خصوصی دادن به برخی جرایم، موقعیت بزه‌دیده را تضعیف مینماید و برای وی زیان بار است. درست آن است که در هر مورد با توجه به شرایط حاکم و مصالح قربانیان جرم درباره عمومی یا خصوصی بودن جرم تصمیم‌گیری شود. اصل موردی بودن حقوق کیفری این را ایجاب مینماید. جنبه‌ی خصوصی قائل شدن برای جرایم علیه کودکان میتواند پیامدهای نامطلوبی در پی داشته باشد. برای نمونه، ممکن است مظنون یا کسان دیگری که از جانب وی اقدام میکنند، با سوءاستفاده از آسیب‌پذیری قربانیان، در صدد تهدید بزه دیده برای بازداشتن وی از توسل به نظام عدالت برآیند یا در اقدامی تلافی‌جویانه بزه دیده را به دلیل گزارش موضوع به مقام‌های قانونی، مورد آزار قرار دهند.

نتیجه‌گیری

به رغم لزوم احتیاط در جرم انگاری، مصادیقی از رفتارهای زیانبار سرپرستان، بهره‌کشی جنسی از کودکان خیابانی، قاچاق آنها، استعمار و واداشتن آنان به کار و تهدید کودکان خیابانی برای ترک شکایت از جمله رفتارهایی است که جامعه انسانی تاب بردباری در برابر آنها را ندارد و جرم انگاری آنها اصولاً موجه است. این رفتارها آن قدر دارای ارزش کیفری هستند که بتوان با سلاح کیفر به رویارویی با آنها اقدام نمود. هم اصل ضرر و هم پدرسالاری

قانونی این گونه جرم‌انگاری را موجه می‌سازد. برای یک جرم‌انگاری کارآمد و حمایتگر از کودکان خیابانی به راهبردهای دیگری هم نیاز است. با آن که جرم‌انگاری اصولاً به رفتارهای علیه اجتماع نظر دارد مصالح خاص کودکان خیابانی باید در کانون توجه قرار گیرد. به همین ترتیب باید سخت‌مراقب بود تا کودکان خیابانی که خود قربانی جرایمی مانند سوءاستفاده جنسی و قاچاق انسان هستند مجرم قلمداد نشوند و مشمول عناوین مجرمانه مانند ولگردی، گدایی و خوابیدن در خیابان که جرم‌انگاری آن برای بزرگسالان با شرایطی موجه است نشوند. به طور کلی بسیاری از کودکان خیابانی زیر تأثیر اجبار، اغوا و فریب توسط سوء استفاده‌گران، دست به اعمال مجرمانه می‌زنند و بنابراین فاقد مبانی و شرایط مسئولیت کیفری می‌باشند. نتیجه‌ی عمومی بودن جرایم علیه کودکان آن است که دادستان و دیگر مقامات عمومی صلاحیت دار به محض اطلاع از وقوع اعمال مجرمانه علیه اطفال، بتوانند بلکه موظف باشند به تعقیب و رسیدگی اقدام نمایند؛ زیرا معمولاً کودکان خیابانی تمایلی به مداخله کیفری ندارند؛ امری که به نوبه خود تداوم رفتارهای بهره‌کشانه نسبت به آنها را تسهیل می‌نماید. همچنین، گاه استفاده از عناوین مجرمانه موسع در این حوزه، در حمایت از کودکان مؤثر است. چنین کیفیتی دادستان را قادر می‌سازد تا از هر زاویه‌ای مرتکبان را تحت تعقیب قرار دهد. با این حال باید از جرم‌انگاری‌هایی که اصول بنیادین حقوق جزا مانند اصل قانونی بودن و اصل کیفی بودن قانون جزایی را تضعیف می‌کند پرهیز نمود. به علاوه لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که اثبات جرایم ارتكابی علیه کودکان خیابانی تسهیل گردد. امر اخیر در واقع از راهبردهای ناظر به کیفیت جرم‌انگاری است که باید توسط قانون‌گذار کیفری به دقت و با حساسیت پیگیری شود.

منابع و ماخذ

الف) منابع فارسی

- نوبهار، رحیم، قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، ص ۱۸۷-۲۲۰
- زینالی، امیرحمزه، نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، ص ۵۹-۹۲
- زینالی، امیرحمزه و مقدسی، محمدباقر، حق بزه دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرآیند کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۷، ص ۲۲۷-۲۲۲
- سالازار فلکمن، کریستین، خشونت علیه کودکان»، ترجمه علی نور محمدی، مجله حقوق بشر، شماره ۴-۵، ص ۲۷-۳۴
- محمودی قرائی، جواد؛ درخشان پور، فیروزه؛ ذاکری شهسواری، سمیرا، موسوی، شکوفه؛ ابراهیم پور، عزیزه و علیزادگان، شهرزاد، کودک آزاری و غفلت، چاپ اول، تهران: نشر قطره .
- مراغی، میرفتاح، العنابین، جلد دوم، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و توجهی، عبدالعلی، بزه دیده شناسی و مشکلات بزه دیدگی‌های گزارش نشده»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۱۳، ص ۷۱-۸۰ .
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ خالقی، علی و زینالی، امیرحمزه، حمایت کیفری از کودکان در برابر توريسم جنسی: از منع جهانی تا واکنش نظام‌های کیفری داخلی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰، ص ۸۱-۱۲۲
- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل
- اقلیما، مصطفی، پدیده کودکان خیابانی در تهران»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی،

ب) منابع لاتین

- Bales, K. (۲۰۱۹). Ending Slavery: How We Free Today's Slaves. Los Angeles, CA: University of California Press.
- Chen, X., Chen, H., and Wang, L., and Liu, M. (۲۰۲۱). Noncompliance and child-rearing attitudes as predictors of aggressive behaviour: A longitudinal study in Chinese children. *International Journal of Behavioral Development* (۲۶), p. ۲۲۵.
- Crews, G. A., & Montgomery, R. H., Jr. (۲۰۱۸). Chasing shadows: Confronting juvenile violence in America. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall Publishing Company.
- Gauthier, L., Stollak, G., Messe, L., and Arnoff, J. (۲۰۱۵). Recall of childhood neglect and physical abuse as differential predictors of current psychological functioning, "Child Abuse and Neglect, ۲۰, ۵۴۹-۵۵۹.
- Kindler, H. (۲۰۲۰). Developing Evidence-Based Child Protection Practice: A View From Germany. *Research on Social Work Practice*, ۱۸, ۳۱۹-۳۳۵.
- Klevens, J., and Whitaker, D. (۲۰۰۷). Primary Prevention of Child Physical Abuse and Neglect: Gaps and Promising Directions. *Child Maltreat*(۱۲), p. ۳۶۴.
- Lune, H. (۲۰۱۴). Weathering the Storm: Nonprofit Organization Survival Strategies in a Hostile Climate, *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, ۳۱, ۴۶۳-۴۸۳.
- Pinheiro, P. S. (October ۱۱, ۲۰۰۶). UN Secretary-General's Study on Violence against Children. United Nations General Assembly (۶۱st

Session). New York, NY.

- Rodriguez, C. (۲۰۰۲). Professionals' Attitudes and Accuracy on Child Abuse Reporting Decisions in New Zealand. *Journal of Interpersonal Violence* (۱۷),p.۳۲۰.
- Segal, U. (۲۰۱۸). Children are abused in eastern countries: a look at India. *International Social Work* (۴۲). p. ۳۹.
- UNICEF. (May ۲۰۱۷). *Facts on Children: Child Protection from Violence, Exploitation and Abuse*. Washington, DC:.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی